


Examining the Educational Role of Father in Cultivating "Social Emotions" Based on the Quran and Nahj al-Balagha

Fatemeh Vojdani  / Associate Professor, Department of Islamic Studies, Shahid Beheshti University, Faculty of Theology and Religions
f_vojdani@sbu.ac.ir

Fatemeh Teymouri / MA in the Philosophy of Education, Shahid Beheshti University

fateme953@gmail.com

Received: 2024/01/03 - Accepted: 2024/04/15

Abstract

Lack of attention to the educational role of fathers in the emotional upbringing of children and adolescents deprives them of proper and complete upbringing and has adverse consequences for the individual and society. Since education is influenced by the worldview and values in the society, religious teachings can be a good source for designing educational methods. This research aims to examine the role of father in cultivating the social emotions of children based on the Quran and Nahj al-Balagha. The research method is descriptive-analytical. Based on the findings, firstly, fathers should cultivate the following social emotions in their children: social emotions towards the general public (including: avoiding a sense of superiority, balanced philanthropy while respecting limits, avoiding reprehensible affections, benevolence, empathy, making others happy, trying to resolve misunderstandings among people, and managing anger), social emotions in relation to wrongdoers (including: responsibility and avoiding indifference, avoiding resentment and revenge, avoiding excessive hostility, strengthening hope for reform in wrongdoers, hatred and acquittal of oppressors, and not being influenced by the unwarranted criticism of others), and social emotions towards believers and righteous people (including: a sense of closeness and unity with righteous people and commitment and loyalty to friends). Secondly, they can use the following methods: gaining the trust of children, presenting a good role model, commanding and forbidding, explaining and clarifying, preaching well, similes and metaphors, embellishing the words, warning, praying and asking for help from God.

Keywords: emotional education, social emotions, the educational role of father, Quran, Nahj al-Balagha.

نوع مقاله: ترویجی

بررسی نقش تربیتی پدر در پرورش «عواطف اجتماعی» بر اساس قرآن و نهج البلاغه

f_vojdani@sbu.ac.ir
fateme953@gmail.com

فاطمه وجدانی / دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان
فاطمه تیموری / کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید بهشتی
دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده

کم توجهی به نقش تربیتی پدران در تربیت عاطفی کودکان و نوجوانان، آنها را از تربیت صحیح و کامل محروم می‌کند و عواقب سوئی برای فرد و جامعه دارد. از آنجا که تربیت تحت تأثیر جهان بینی و نگرش‌های ارزشی حاکم بر هر جامعه‌ای است، آموزه‌های دینی می‌توانند منبع خوبی برای دستیابی به روش‌های تربیتی باشند. هدف این پژوهش، بررسی نقش پدر در پرورش عواطف اجتماعی فرزندان در قرآن و نهج البلاغه می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. بر اساس یافته‌ها، اولاً، پدران باید عواطف اجتماعی ذیل را در فرزندان خود پرورش دهند: عواطف اجتماعی نسبت به عموم مردم (شامل: پرهیز از احساس برتری، مردم‌دوستی متعادل با رعایت حد و مرز، اجتناب از محبت‌های مذموم، خیرخواهی، همدلی، شاد کردن دیگران، تلاش جهت رفع کدورت میان مردم و مدیریت خشم)، عواطف اجتماعی در ارتباط با خطاکاران (شامل: احساس مسئولیت و اجتناب از بی‌تفاوتی، اجتناب از کینه‌توزی و حس انتقام‌جویی، اجتناب از افراط در دشمنی‌ها، تقویت امید به اصلاح در خطاکاران، بغض و برائت از ظالمان، عدم تأثیرپذیری از ملامت بی‌جای دیگران) و عواطف اجتماعی نسبت به مؤمنان و نیکوکاران (شامل: احساس قربت و یکپارچگی با نیکوکاران و احساس تعهد و وفاداری نسبت به دوستان). ثانیاً، آنها برای این کار می‌توانند از روش‌های زیر بهره‌برند: جلب اعتماد متربی، الگودهی، امر و نهی، توضیح و تبیین، موعظه حسنه، تمثیل و تشبیه، تزئین کلام، انذار، دعا و مددخواهی از خداوند.

کلیدواژه‌ها: تربیت عاطفی، عواطف اجتماعی، نقش تربیتی پدر، قرآن، نهج البلاغه.

مقدمه

می‌شوند، عواطف اجتماعی پس از ۳۶ ماه شروع به ظهور می‌کنند؛ یعنی دوره‌ای که کودکان شروع به درک قوانین و هنجارهای اجتماعی می‌کنند (کرنل و هنرتون، ۲۰۱۷). بدین ترتیب، کودکان کم‌کم نسبت به ایفای حقوق اجتماعی دیگران متعهد می‌شوند و از رفتارهای ضد اجتماعی پرهیز می‌کنند؛ مشروط بر اینکه پرورش عواطف اجتماعی در آنها به موقع و به درستی انجام شود.

پرورش عواطف در خانواده آغاز می‌شود و پدر و مادر هر دو در این امر نقش دارند. این در حالی است که در بسیاری از متون تربیتی، بخصوص در حوزه تربیت عاطفی بیشتر بر نقش مادر - به عنوان یک موجود عاطفی - تأکید شده و نقش تربیتی پدر کمتر مورد توجه قرار گرفته و کمتر تبیین شده است. علاوه بر این نقص تئوریک، که می‌تواند زمینه‌ساز عدم آگاهی کامل پدران از نقش‌های تربیتی خود باشد، در عمل هم، پدران به دلیل مسائل اقتصادی، بیشتر به تأمین مالی فرزندان پرداخته‌اند. از این رو، مطالعه علمی و تبیین دقیق وظایف تربیتی پدران، به‌ویژه در حوزه پرورش عواطف اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

البته از آنجاکه تربیت تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر جهان بینی و نگرش‌های ارزشی حاکم بر هر جامعه‌ای است، در کشور ما نیز باید متناسب با فرهنگ و متون دینی ما بررسی شود. قرآن کریم و نهج البلاغه منبعی غنی از آموزه‌های تربیتی هستند. از این رو، در این پژوهش، نقش پدر در پرورش عواطف اجتماعی فرزندان از این متون استخراج و تبیین می‌شود؛ بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه پدرا چه عواطف اجتماعی را با چه شیوه‌هایی باید در فرزندان خود پرورش دهند؟

تربیت عاطفی با رویکرد اسلامی پیش‌تر توسط برخی از محققان، مورد بررسی قرار گرفته است. حسین‌زاده و قاسمی (۱۳۹۴) با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه علیهم‌السلام روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت (مانند: تبعیض و تحقیر) را تبیین کرده و راه‌کارهایی همچون تکریم شخصیت کودک، توجه به احساسات او و اجتناب از تبعیض را توصیه کرده‌اند. فرم‌بینی فراهانی و رضوان‌خواه (۱۳۹۶) نیز الگوی مفهومی تربیت عاطفی را در نهج البلاغه مورد بررسی قرار دادند و به اصول تربیتی (ابراز محبت، بردباری و خوش‌بینی) و روش‌های تربیت عاطفی (اعتدال در محبت، کنترل خشم، صلح‌رحم و گشاده‌رویی) دست یافته‌اند.

عواطف یکی از مؤلفه‌های مهم شخصیت انسان است که او را برای عمل برمی‌انگیزد و از این رو، کلیه رفتارهای فردی و اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عواطف نیز مانند دیگر ساحت‌های وجودی انسان نیاز به پرورش دارد تا فرد بتواند عواطف‌اش را به طور متعادل و به‌جا بروز دهد. با اینکه زمینه حالات عاطفی و هیجانی، به‌صورت فطری در انسان وجود دارد، ولی عواطف نیاز به شکوفایی، تعدیل و جهت‌دهی دارند. مثلاً رشد عاطفی در کودک وقتی محقق می‌شود که او بتواند احساسات و عواطف خود را به صورتی ابراز کند که سبب رنجش دیگران نشود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۵).

تربیت عاطفی به معنای زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی در جهت شکوفاسازی و رشد گرایش‌ها و احساسات مثبت و از بین بردن یا تضعیف گرایش‌های منفی است (موسوی، ۱۳۹۲). تربیت عاطفی، تصمیم‌گیری منطقی را در موقعیت‌های چالشی تسهیل می‌کند، احساس امنیت را تقویت می‌کند (نجفی و دیگران، ۱۳۹۴)، خلق‌وخو و عواطف و هیجانات را با دیگر جنبه‌های شخصیت، هماهنگ می‌کند و راه را برای کسب عواطف عالی‌ه انسانی می‌گشاید. برعکس، اگر انسان از حیث عواطف درست تربیت نشود و دچار افراط و تفریط شود، دچار اختلالاتی خواهد شد که گاه برگشت‌ناپذیرند و حتی باعث نابودی او می‌شوند (فرم‌بینی فراهانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷). از این رو، تربیت عاطفی نقش مهمی در سلامت و رشد فردی - اجتماعی انسان‌ها دارد.

برخی از عواطف بیشتر جنبه فردی دارند و در ارتباط با خود بروز می‌یابند؛ مانند خوددوستی، شرم از خویشتن، غرور، عزت نفس، امید و حقارت. برعکس، عواطف اجتماعی دارای مؤلفه‌های اجتماعی هستند (گرچ و دیگران، ۲۰۰۶) و بیشتر تحت تأثیر عملکردهای بین‌فردی یا بین‌گروهی برانگیخته می‌شوند و واکنش‌های دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهند (کلنتر و بالسون، ۱۹۹۷؛ پارکینسون و همکاران، ۲۰۰۵)؛ مانند دیگر دوستی، خشم از رفتار مجرمانه دیگران، نفرت از دیگران، شرم از دیگران و ترس از دیگران.

یک نکته دیگر این است که عواطف اجتماعی، به لحاظ شناختی پیچیده‌تر از عواطف اساسی (مانند شادی، ترس، انزجار) هستند و زمانی بروز می‌یابند که افراد بتوانند هنجارهای اجتماعی و نقض آنها را درک کنند؛ از این رو، برخلاف عواطف اساسی که در ۹ ماه اول زندگی ظاهر

بسیار منفی بر آنها می‌گذارد. ادلک (۲۰۱۷) نیز نقش پدر را در توسعه هوش هیجانی کودکان نشان داد. بر اساس یافته‌ها سطح آگاهی پدران از هوش هیجانی پایین بود و اکثر پاسخ‌دهندگان در ارتباط با فعالیت‌های تربیتی و ارتباط مستقیم با کودک فعال نبودند. بدین ترتیب، با تأمل در پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان دریافت که تا کنون ابعاد محدودی از نقش پدر در تربیت عواطف اجتماعی روشن شده و این مسئله هنوز نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر دارد.

با عنایت به اهمیت پرورش عواطف اجتماعی فرزندان از یک‌سو، و اهمیت مشارکت فعال و مناسب پدران در این امر و فقدان منابع علمی و کاربردی مناسب و بومی از سوی دیگر، می‌توان ضرورت انجام این پژوهش را دریافت. در این تحقیق به دو سؤال پاسخ داده می‌شود: بر اساس آیات قرآن کریم و نهج البلاغه، پدران چه عواطف اجتماعی را باید در فرزندان خود پرورش دهند؟ آنها چگونه و با چه روش‌هایی می‌توانند به این امر مبادرت ورزند؟

۱. عواطف اجتماعی پرورش یافته‌ی توسط پدر

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات، پدر نقش فعال در پرورش عواطف اجتماعی دارد. این عواطف را می‌توان در سه دسته صورت‌بندی کرد:

۱-۱. عواطف اجتماعی عمومی

عواطفی که راجع به عموم مردم جامعه باید در فرزندان پرورش یابند، هشت مورد هستند که برخی سلبی و برخی ایجابی می‌باشند:

۱. پرهیز از احساس برتری: یکی از ویژگی‌های اخلاقی بندگان الهی در قرآن کریم «فروتنی» است. خداوند می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان: ۶۳): بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که آرام و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند، به آنها سلام می‌گویند و با بزرگواری می‌گذرند. بر همین اساس امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز به عنوان یک پدر، به فرزندش توصیه می‌کند که با مردمان متواضعانه برخورد کند: «پسرم... آگاه باش که خودپسندی ضد صواب و آفت خردهاست» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). برخی از رفتارهای متواضعانه مورد توصیه ایشان به فرزندشان بدین ترتیب است: «اگر برادرت از تو جدا شد، تو با او

علوی و همکاران (۱۳۹۸) نیز اهداف، اصول و روش‌های تربیت عاطفه «غم و شادی» را از منظر صحیفه علویه بررسی کرده و اصول زیر را یافتند: شناسایی شادی‌های ممدوح و چگونگی راه یافتن به آنها، شناخت غم‌های مذموم و راه‌های رهایی از آنها. همچنین، روش‌های زیر پیشنهاد شد: خشنود کردن خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان وی، توسل به آنها در جهت شاد کردن انسان‌ها، شکرگزاری و ذکر اسماء الهی، پناه بردن به خداوند دعا کردن، ذکر، ملامت نفس پس از ارتکاب گناه و مرگ‌اندیشی.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این تحقیقات، تربیت عاطفی به طور کلی مد نظر بوده، پرورش «عواطف اجتماعی» مسئله پژوهش نبوده است. علاوه بر اینکه در این تحقیقات یافته‌ها کلی بوده، نقش پدر به‌طور اختصاصی بررسی نشده است.

در برخی تحقیقات نیز، با اینکه نقش تربیتی پدر مورد بررسی قرار گرفته، اما پژوهش‌ها ناظر بر پرورش عواطف اجتماعی فرزندان نبوده است. برای نمونه مطهر ثانی (۱۳۹۴) جلوه‌های نقش پدری حضرت علی علیه السلام را در خانواده و جامعه در نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌ها، حضرت علی علیه السلام به‌عنوان یک پدر مسئولیت‌پذیر به اجرای برنامه‌هایی از جمله آموزش احکام دین، سرپرستی معنوی جامعه، اجرای عدالت در جامعه و... اهتمام داشته است. نیز مواردی همچون سرپرستی معنوی خانواده، سرپرستی خانواده و تأمین هزینه زندگی از راه حلال، رفتار مناسب با همسر، نظارت بر فرزند و آموزش دین مورد توجه قرار گرفته است. عرب گوئینی (۱۳۹۵) نیز در تحقیق خود نقش تربیتی پدر در خانواده را از منظر اسلام بررسی کرده و دریافته است که پدر با دارا بودن شئون اقتصادی و سرپرستی، سهم عمده‌ای در تربیت خانواده دارد. همچنین، عاطفه و مدیریت پدر موجب ایجاد امنیت، محبت و هدایت در خانواده می‌شود. محبت پدر به دختر او را نسبت به جامعه و همسر آینده خوش‌بین می‌کند و همچنین، پدر برای پسر بیشترین نقش الگویی و هدایتی دارد. بهرامی و دیگران (۱۳۹۸) نیز نقش تربیتی پدر را در الگوی اسلامی ایرانی بررسی کردند و دریافتند که پدرها، به‌ویژه در زمینه روابط با دوستان و موفقیت تحصیلی تأثیر بسزایی دارند. هنگامی که پدر از احساسات فرزندانش با خبر است و می‌کوشد تا به فرزندان در حل مسائل‌شان کمک کند، بچه‌ها در مدرسه و ارتباط با دیگران موفق‌تر خواهند بود. به‌عکس، پدری که نسبت به عواطف فرزندانش خشن، ایرادگیر یا بی‌اعتناست، تأثیر

۳. اجتناب از محبت‌های مذموم: در کنار توصیه به محبت به مردم باید کودک را متوجه نمود که برخی از محبت‌ها به خاطر تأثیر منفی در رشد و کمال حقیقی انسان، مذمت شده‌اند. ملاک تشخیص کار قبیح و حسن، تأثیر آن در قرب الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۹). لذا محبت‌هایی که در تقابل با عبودیت و حب الهی است، مذموم است. امیرالمؤمنین علیؑ می‌فرماید: «مبادا که دشمنان خدا را دوست بداری و یا دوستی‌ات را برای غیر دوستان خدا، خالص گردانی؛ زیرا هر که مردمی را دوست بدارد، با آنان محشور خواهد شد» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۱۳، ح ۶۹۶). همچنین، می‌فرماید: «هر که دوستی‌اش خدایی نباشد، از او پرهیز که دوستی‌اش پلید است و مصاحبت با او شوم (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۲۵، ح ۷۳۷).

در قرآن کریم نیز آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ آبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه: ۲۳-۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر گاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولی (و یار و یاور و تکیه‌گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولی خود قرار دهند، ستمگرند! بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما... در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند. بدین ترتیب، محبت به مردم باید مدیریت شده باشد.

۴. خیرخواهی برای دیگران: امام علیؑ در تربیت فرزند خود امام حسنؑ، ایشان را به خیرخواهی نسبت به مردم دعوت می‌کردند: «نصیحت نیکات را برای برادرت مهیا ساز، خواه پند تو (تشویق به کار) نیک باشد یا (پرهیز از کار) بد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). البته نحوه خیرخواهی بسته به مخاطبان متفاوت خواهد بود. خیرخواهی نسبت به گنه‌کاران می‌تواند به شکل دلسوزی و تلاش برای هدایت و اصلاح آنها باشد و در مورد نیکوکاران، به شکل آرزوی توفیقات بیشتر. از این‌رو، اگر کسی از زمین خوردن یا گمراه شدن دیگران احساس شادمانی کند، باید به درون خود رجوع کرده و

بپیوندد و اگر از تو روی برگرداند، تو با لطف به او نزدیک شو و در برابر بخل او ببخش و عطایش کن... تا جایی که گویی تو بنده او هستی و او صاحب نعمت است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱) و البته برای این کار حد و حدودی قائل‌اند؛ چراکه در ادامه همان عبارت می‌فرمایند: «این برنامه‌ها را در جایی که اقتضا ندارد و درباره کسی که شایسته نیست، انجام مده» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱).

۲. محبت و مردم‌دوستی متعادل و بجا: امیرالمؤمنین علیؑ به‌عنوان پدر در حق فرزند خویش دعای خیر می‌کند و از خداوند می‌خواهد که قلوب مردم (به ویژه مؤمنان) نسبت به فرزند او پر از مهر و محبت باشد: «رَبَّنَا... فَاجْعَلْ أَقْدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ» (ابراهیم: ۳۷)؛ پروردگارا... دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنها مایل گردان. بر این اساس، محبت میان مردم را می‌توان یکی از مصادیق عواطف اجتماعی به حساب آورد. اساساً در قرآن کریم محبت در جامعه ایمانی مورد تأکید است. برای نمونه: «وَجَعَلْنَا فِي الْقُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً» (حدید: ۲۷)؛ و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰).

اساساً دوستی یکی از ارزش‌های مورد تأکید اسلام است و امام علیؑ به فرزندانشان می‌فرماید: «غریب کسی است که برای او دوستی نیست» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). ایشان جزئیات بیشتر و دقیق‌تری را در این زمینه به فرزندانشان می‌آموزند: «به کسی که به تو علاقه ندارد، علاقه نشان مده» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). همچنین، توصیه می‌کنند که انسان در این کار تعادل را رعایت کند و نیز از حد و مرز لازم تجاوز نکند: «در دوستی با یار خویش حد نگه دار، شاید که روزی دشمن تو شود» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، حکمت ۲۶۸)؛ یعنی محبت و مردم‌دوستی باید مدیریت شود.

لقمان حکیم نیز به فرزندش توصیه می‌کند که با مردم رابطه دوستانه و محبت‌آمیز داشته باشد: «فرزندم! مبادا بی‌قرار و بداخلاق و کم‌حوصله باشی؛ زیرا با داشتن این خصلت‌ها هیچ دوستی برایت باقی نمی‌ماند. نفس خود را وادار کن تا در امور شکیبیا باشد. در رفع مشکلات برادرانت تحمل نما و با همه مردم اخلاق نیک داشته باش» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹). همچنین، ایشان به فرزند خود توصیه می‌کند که از هرگونه رفتار ایجادکننده دشمنی اجتناب ورزد: «فرزندم! مردم را ناسزا مگو تا سبب دشنام به پدر و مادر خود نگردی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۴۲۷).

هر قیمتی نیست، چنان که حضرت در ادامه همان نامه ۳۱ می‌فرماید: «از اینکه سخن خنده‌آور گویی بپرهیز؛ گرچه آن را از دیگری حکایت کنی» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). از این رو، لازم است با شیوه‌های پسندیده و به طور سنجیده، در اطرافیان احساسات مثبت ایجاد کنیم و یا دست‌کم، موجب غم و اندوه ایشان نشویم.

۷. رفع کدورت از دل‌ها: امام علی^ع همچنین به فرزند خود توصیه کرده‌اند که هنگامی که بین دیگران درگیری و کشمکش ایجاد شد، در جهت رفع کدورت‌ها اقدام نماید: «شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میان تان سفارش می‌کنم؛ زیرا من از جدم پیامبر^ص شنیدم که می‌فرمود اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه یک سال برتر است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۴۷).

رفع کدورت‌ها برای تحکیم اخوت و عزت جامعه دینی ضروری است. خداوند نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال: ۱)؛ از مخالفت خدا پروا کنید و دشمنی‌هایی که در میان شماست، آشتی دهید و خدا و پیامبرش را پیروی کنید اگر ایمان دارید. بر اساس این آیه در هر موضوعی که بین دو نفر یا دو گروه از مسلمانان اختلاف و نزاع پیش آمده، بر مسلمانان واجب است که بین آنها صلح و دوستی برقرار کنند (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۶۴).

۸. مدیریت خشم: اصل وجود غضب برای دفاع از جان و ناموس و حقوق فردی و اجتماعی لازم است، ولی کنترل و مهار آن در صورتی که بی‌حساب بر آدمی عارض شود و جسم و جان خودش یا دیگری را در معرض خطر قرار دهد، ضروری است (قدیری، ۱۳۸۴). امام علی^ع در یک اقدام تربیتی به فرزندشان می‌فرماید: «خشم خود را اندک اندک بپاشم که من جرعه‌ای شیرین‌تر از آن نوشیدم و پایانی گوارتر از آن ندیدم» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). لازم به ذکر است که ایشان پیامدهای خشم نابجا و کنترل‌نشده را نیز تبیین می‌کنند و می‌فرمایند: «فرزندم از خشم بپرهیز که ابتدایش دیوانگی و آخرش پشیمانی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶). در جای دیگر می‌فرماید: «خشم آتش برافروخته است که هر کس جلو آن را بگیرد، آن آتش را خاموش کرده و هر کس آن را آزاد بگذارد، خود نخستین کسی است که با آن خواهد سوخت» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۱). لذا

ریشه این احساس ناپسند را پیدا کند؛ زیرا این احساس نشان‌دهنده شقاوت درونی است و باید به شدت از بروز آن در دل جلوگیری کرد (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۸۱۹).

۵. احساس همدلی: همچنین، امیرالمؤمنین^ع به فرزند خود سفارش می‌کنند که: «ای فرزند، خود را در آنچه میان تو و دیگران است، ترازویی پندار؛ پس برای دیگران دوست بدار آنچه برای خود دوست می‌داری و برای دیگران مخواه آنچه برای خود نمی‌خواهی» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). وقتی نفس، میزان و شاخص قرار گیرد، نمی‌توان بر آن خدشه‌ای وارد کرد. لذا نه تنها از اینکه دیگران به نعمت‌هایی می‌رسند، نگران نباشیم، بلکه برای دستیابی آنان به این گونه نعمت‌ها تلاش کنیم که این باعث ایجاد حس همدلی بین ما و دیگران می‌شود (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۵۱۲).

در مورد همدلی می‌توان به درسی که حضرت زهرا^س از پدر گرامی‌شان گرفته‌اند، هم اشاره کرد. ایشان در شب عروسی‌شان، پیراهن نوی خود را به فقیری که تقاضای جامه‌ای کرده بود، بخشیدند، صبحگاه که پیامبر خدا برای دیدنشان آمدند، از حضرت زهرا^س پرسیدند: تو که پیراهن نو داشتی؛ چرا نپوشیدی؟ حضرت فرمودند: در این کار از شما پیروی کردم؛ زیرا مادرم خدیجه هنگامی که افتخار خدمت به شما را پیدا کرد و تمام اموال خود را در اختیار شما گذاشت، همه آنها را در راه خدا بخشیدی تا به جایی رسید که سائلی از شما پیراهنی خواست و شما جامه خود را به او دادی (ابن الجوزی، ۱۴۲۶ق، ص ۷۲). در اینجا پیامبر اکرم^ص عملاً درس همدلی و نوع دوستی را به فرزند خود آموخته بود. «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدُ الْإِيمَانِ حَتَّى يَجِبَ لِأَخِيهِ مَا يَجِبُ لِنَفْسِهِ وَحَتَّى يَخَافَ اللَّهَ فِي مِرَاحِهِ وَجِدِّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۹۶)؛ بنده به کمال ایمان نمی‌رسد، مگر آنکه آنچه را برای خود دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد و آنچه برای خود نمی‌پسندد برای برادرش نیز نپسندد.

۶. شاد کردن دیگران: یکی از برنامه‌های پرورشی امیرالمؤمنین علی^ع در مورد فرزندشان این بود که به ایشان سفارش می‌کردند: «جزای آن کسی که تو را شاد نموده، اندوهگین کردن او نیست» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). همچنین می‌فرماید: «هر که دلی را شادمان سازد، خداوند برای او لطفی آفریند و چون مصیبتی بدو رسد، آن لطف چون آبی به سوی او سرازیر شود تا آن مصیبت را ببرد و دور گرداند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، حکمت ۲۵۷). البته این به معنای شاد کردن دیگران به

توصیه امام^ع این است که با آن کسی که با تو غلیظ و خشن است، به مدارا و ملایمت رفتار کن و مطمئن باش این نرمی تو، او را به نرمش وادار می‌کند و از خشونت‌های بیشتر بعدی جلوگیری می‌کند. البته باید موقعیت را سنجید؛ چه بسا شرایطی نیازمند برخورد شدید و تند باشد که این هم زمینه‌ساز افزایش حس تعهدپذیری افراد می‌شود (واعظی و مشایخی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱)؛ همان‌گونه که امام علی^ع نیز می‌فرماید: «آنگاه که مدارا مستلزم خشونت باشد، خشونت عین مدارا خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۹۶). از این رو، موقعیت‌سنجی بسیار ضروری است.

۱-۲. عواطف اجتماعی در ارتباط با خطاکاران

با عنایت به آموزه‌های اسلامی عواطفی که یک پدر باید در فرزندان خود نسبت به خطاکاران جامعه پرورش دهد، شامل شش مورد می‌باشد:

۱. احساس مسئولیت و اجتناب از بی‌تفاوتی: با توجه به نامه امام علی^ع به فرزند خود، ایشان تلاش می‌کرد تا فرزندانش را نسبت به مسائل اجتماعی حساس بار بیاورد: «به کار نیک امر کن و خود را در شمار نیکوکاران درآر و به دست و زبان کار ناپسند را زشت شمار» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). ایشان در جای دیگری نیز می‌فرماید: «کسی که منکر و فساد را با هیچ‌یک از قلب و دست و زبان انکار نکند، مرده‌ای میان زندگان است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۳۲). بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر به مرور، جامعه را به آسیب‌های شدید و نابودی می‌کشاند تا جایی که زشتی‌ها و گناهان، آشکارا در سطح جامعه شیوع می‌یابند و فرایند آن گریبان‌گیر عموم مردم می‌شود.

۲. اجتناب از کینه‌توزی و حس انتقام‌جویی از خطاکاران: امام علی^ع به فرزندانش امام حسن^ع در مورد واکنش عاطفی و احساسی در برابر خطای دیگران می‌فرماید: «هنگامی که برادر تو جرمی در حق تو مرتکب شد، تو با عذر با او برخورد کن» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). ایشان در همان نامه می‌فرماید: «نرمی کن به آنکه با تو درشتی کند، باشد که به‌زودی نرم شود. با دشمن خویش به بخشش رفتار کن که آن شیرین‌تر دو پیروزی است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱)؛ یعنی وقتی فردی در حق تو و در بعد شخصی مرتکب خطا شد، به جای کینه‌توزی و پرورش احساس تنفر و بیزاری و دوری‌گزیدن از آن فرد خطاکار راه اعتذار را برای او باز بگذار و شرایطی فراهم کن که او بتواند عذر و بهانه‌ای بتراشد. اگر بین شخص

آسیب‌دیده و خطاکار صلح و آشتی برقرار شود، خطاکار خود را فردی مطرود از جامعه نمی‌یابد و این احساس همبستگی با جامعه اطراف خود، باعث پیشگیری از ارتکاب مجدد خطا می‌شود. فرد آسیب‌دیده نیز با صلح و آشتی با خاطی، احساس آرامش پیدا می‌کند و خود را بازنده تلقی نمی‌کند و از رنج درد و نگرانی او کاسته می‌شود (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۸۰۸). در حالی که کینه‌توزی، واکنش‌های منفی و احتمالاً افراطی را علیه فرد خطاکار برمی‌انگیزد و به جای کمک به اصلاح او، انتقام‌جویی را تحریک می‌کند. در واقع، کینه‌توزی ترکیبی است از هیجانات مرتبط به هم شامل رنجش، ناخوشایندی، نفرت، خصومت، خشم درون‌مانده و ترس (رایتینگ تونو وید، ۱۹۹۹) که هم سلامت روانی فرد و هم امنیت و سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌افکند. ایشان حتی در آخرین روزهای زندگی خود که توسط ابن ملجم مورد ضربت و آسیب قرار گرفته بودند، فرزند خودشان را و در واقع تمام افراد بشری را به دوری از انتقام‌جویی و رفتار هیجانی و واکنشی توصیه کردند و کمی پیش از شهادت این وصیت را فرمودند: «شما را وصیت می‌کنم... اگر زنده بمانم، خود اختیار خون خود را دارم و اگر بمیرم، مرگ میعادگاه من است. اگر عفو کنم، موجب تقرب من به خداست و برای شما حسنه است. پس عفو کنید: آیا دوست ندارید که خدا پیام‌رزدتان؟» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۲۳).

۳. اجتناب از افراط در دشمنی‌ها: از آنجا که رفتار انسان‌ها در گذر زمان تغییر می‌کند و امکان جبران خطاها و ترمیم گذشته وجود دارد، امیرالمؤمنین^ع توصیه می‌کنند که در دشمنی‌ها هم از افراط اجتناب شود: «با دشمنت به اندازه دشمنی کن؛ شاید روزی با تو دوست شود» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، حکمت ۲۶۸). ضمن اینکه این‌گونه رفتار می‌تواند از پیشروی ارتباط کینه‌ورزانه جلوگیری کند و زمینه را برای جبران خطاها و بازگشت روابط دوستانه فراهم نماید.

۴. تقویت امید به اصلاح در خطاکاران: امید به بازگشت به مسیر صحیح جایگاه خاصی در سلامت روانی، اخلاقی و حتی جسمانی فرد و در نتیجه، جامعه دارد. زمانی که فرد خطاکار احساس کند که چیزی برای از دست دادن ندارد، انگیزه‌ای برای اصلاح و جبران هم نخواهد داشت. از این رو، امام علی^ع به فرزند خود توصیه می‌کنند که: «فرزندم هیچ گنهکاری را نومید مکن؛ چه بسا کسی که عمری گناه می‌کند، اما فرجامش به نیکی ختم می‌شود» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱،

به فرزندشان توصیه می‌کنند: «در راه خدا جهاد کن، جهادی کامل؛ و ملامت ملامت‌کنندگان تو را درنگیرد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱)؛ یعنی هنگامی که راه درست را تشخیص دادی، با توکل بر خدا و عزم راسخ و بدون اعتنا به سرزنش سرزنشگران به پیش تاز (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۲۵، ص ۶۵). «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینیه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونهم...» (مائده: ۵۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آئین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست. بنابراین، در راه ایمان و شکستن سنت‌ها و عادات جاهلی نباید از سرزنش و هوجبی‌گری‌ها و تبلیغات سوء دشمن ترسی داشت و تسلیم جو و محیط شد (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۵۴).

۱-۳. عواطف اجتماعی در مورد مؤمنان و نیکوکاران

با توجه به آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه، عواطفی که فرزندان باید درباره مؤمنان و نیکوکاران جامعه پیدا کنند، شامل دو مورد است و پدر در پرورش چنین عواطفی ایفای نقش می‌کند:

۱. احساس قربابت و یکپارچگی با نیکوکاران: علاوه بر عشق و محبت زیاد نسبت به خوبان، احساس یکپارچگی با آنها نیز مورد انتظار است. امام سجاد^ع در مورد فرزندانش این‌طور دعا می‌کنند: «وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتْقِیَاءَ... وَ لَوْلِیَاکَ مُحِبِّیْنَ مُنَاصِحِیْنَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰)؛ و آنان را نیکوکارانی باتقوا... و نسبت به اولیای خود عاشق و خیرخواه قرار ده، الهی وضع فرزندانم اینچنین باد. توصیه به احساس نزدیکی روحی، مجالست، مؤانست و حتی به نوعی احساس وحدت و یکپارچگی با نیکوکاران را در سفارش امام علی^ع به فرزندشان می‌توان مشاهده کرد: «به اهل خیر نزدیک شو تا از آنان گردی» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱).

۲. احساس تعهد و وفاداری به دوستان: امام علی^ع به این نکته اجتماعی توجه دارند که در انتخاب و سازماندهی دایره دوستان باید دقت نمود و حتی ملاحظات مربوط به روابط پیچیده و چندسویه را در نظر گرفت و می‌فرمایند: «دشمن دوستت را به دوستی انتخاب

نامه ۳۱). همچنین ایشان می‌فرمایند: «شایسته است کسانی که خودشان اهل گناه نیستند، بر اهل گناه و معصیت ترحم کنند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، خطبه ۱۴۰).

۵. بغض و برائت از ظالمان: همان‌گونه که به نیکوکاران باید عشق ورزید، باید نسبت به ظالمان و بدکاران و اعمال ایشان قلباً انزجار داشت و واکنش مناسب را نشان داد. امام علی^ع توصیه می‌کنند: «و همواره دشمن سرسخت ظالم، و یار و مددکار مظلوم باشید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۴۷). امام سجاد^ع نیز دعا می‌کنند: «وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتْقِیَاءَ... وَ لِجَمِیْعِ اَعْدَائِکَ مُعَانِدِیْنَ وَ مُبْغِضِیْنَ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰)؛ و آنان را نیکوکارانی باتقوا و صاحبان بصیرت... و نسبت به دشمنانت، دشمن قرار ده، الهی وضع فرزندانم اینچنین باد. لقمان حکیم نیز به فرزندش اینچنین توصیه می‌کند: «فرزندم! از هم‌نشینی با بدان بپرهیز؛ زیرا آنان مانند سگان‌اند؛ اگر چیزی نزد تو پیدا کردند، می‌خورند، و گرنه تو را مسخره و رسوا سازند و دوستی میانشان لحظه‌ای بیش نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۴۲۸). در مجموع لازم است که اجتناب از دوستی و مجالست با افرادی همچون ستمگران، فاسقان، دروغ‌گویان، حسودان، احمقان و نظایر اینها را به فرزند آموخت: «با ستمکاران دوست نشوید، و گرنه آتش کیفر آنان شما را خواهد گرفت» (هود: ۱۱۳).

امیرالمؤمنین علی^ع می‌فرمایند: «از مصاحبت با فاسقان، بدکاران و آنان که آشکارا مرتکب معصیت می‌شوند، بپرهیز» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۱۹).

امام علی^ع می‌فرماید: «از مصاحبت دروغگو بپرهیز» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۱۹).

امام^ع همچنین می‌فرماید: «حسود دوستی‌اش را در گفتارش آشکار می‌کند و دشمنی‌اش را در کردار نهان می‌سازد، پس نام دوست را دارد و صفت دشمن را» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۱۹).

امام علی^ع می‌فرماید: «هر که با سبک‌عقل دوستی کند، سبک‌عقلی خود را آشکار کرده است» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۲۱).

۶. حفظ ثبات هیجانی و عدم تأثیرپذیری از ملامت بی‌جای دیگران: یکی از نقاط ضعف افراد ضعیف‌الاراده، تأثیرپذیری شدید و منفعلانه از ملامت بی‌جا و نادرست ملامتگران است، با اینکه می‌دانند که در مسیر درست گام برمی‌دارند. امام علی^ع به این مسئله توجه داشته و

مِنَ اَدْبِكْ اَنْ يَكُونَ ذَلِكُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). استفاده از این گونه شیوه‌های تلطیفی و برقراری ارتباط مؤدبانه به هنگام به‌کارگیری بیان مستقیم، به‌عنوان یک کنش مؤدبانه و محترمانه در نهج البلاغه فراوان است (افضلی و عبدالکریمی، ۱۴۰۰).

۲-۲. الکوهدی

در اسوه‌سازی، مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۰۲) تا او با مشاهده رفتار درست، زیبا بودن و امکان‌پذیر بودن آن را دریابد و به انجام آن ترغیب شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز عملاً درس همدلی و نوع‌دوستی را به فرزندشان حضرت زهرا علیها السلام داده‌اند و بخشش و انفاق از دوست‌داشتنی‌ها را به ایشان آموختند.

۲-۳. امر و نهی

امر و نهی جنبه الزامی دارند و از خواست قاطع و جدی آمر و ناهی حکایت می‌کنند (قائمی‌مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۶). در بررسی آموزه‌های پیش‌گفته، یکی از روش‌ها امر به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها بوده است. مانند امر کردن امام علی علیه السلام فرزند خود را به اینکه دشمن ظالم و یاور مظلوم باشد و نهی کردن او از اینکه در حق کسی ستم کند.

۲-۴. توضیح و تبیین

نحوه ارزیابی فرد از امور در رفتار و اعمال او تأثیرگذار است، از این رو، مربی تلاش می‌کند که تلقی فرد را از امور تغییر دهد (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۶) و از طریق توضیح و تبیین، بر آگاهی او از ابعاد گوناگون قضیه بیفزاید. امام علی علیه السلام در نامه ۴۷ نهج البلاغه علاوه بر اینکه به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام توصیه می‌کنند که به اصلاح ذات‌البین بپردازند، راجع به آن توضیح می‌دهند: «أوصيكمَا، وَجَمِيعَ وَاٰلِدِي... وَصَلَاحَ ذَاتِ بَيْنِكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۴۷). همچنین، ایشان علاوه بر نهی کردن و حذر دادن نسبت به خشم بی‌جا و کنترل نشده، پیامدهای آن را نیز تبیین می‌کنند: «إِيَاكَ وَالْغَضَبَ، فَأَوْلُهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶)، «الغضبُ نارٌ مُوقَدَةٌ، مَنْ كَلَّمَهُ أَطْفَاها وَ مَنْ أَطْلَقَهُ كَانَ أَوَّلَ مُحْتَرِقٍ بِهَا» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۱).

مکن تا دوست را دشمن نباشی» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، نامه ۳۱). این توصیه یادآور نوعی تعهد و وفاداری به اوست. هنگامی که کسی نسبت به دوست خود بی‌وفایی کرده، با دشمنان دوست خود هم‌پیمان می‌شود، این نزدیکی، بدگمانی ایجاد می‌کند، میزان و عیار دوستی قبلی را کم می‌کند و در صورت ادامه این روند، دیگر نشانی از آن دوستی بر جای نخواهد ماند، و بلکه ارتباط را به عداوت می‌کشاند (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۸۱۶).

این نکته در بخش‌های دیگر نهج البلاغه نیز تأکید شده است: «دوستان تو سه کس‌اند و دشمنان تو نیز، سه کس؛ اما دوستان تو دوست تو و دوست تو و دشمن دشمن دوست و اما دشمنان تو؛ دشمن تو و دشمن دوست تو و دوست دشمن تو» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱، حکمت ۲۹۵). به همین نسبت امکان ندارد کسی مشتاق طاعت الهی باشد و فرامین او را در پی بگیرد، اما به دشمنان خدا و رسول او محبت بورزد (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۷۱۳). این جمله امام صلی الله علیه و آله ریشه در تعالیم قرآن دارد. در قرآن کریم می‌خوانیم: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» (مجادله: ۲۲)؛ هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند، نمی‌یابی که با دشمن خدا و رسولش دوستی کنند؛ هرچند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند.

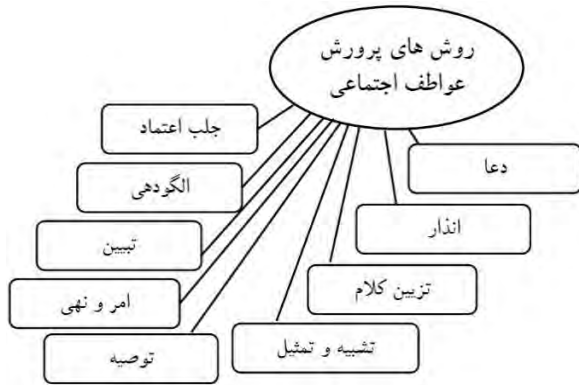
۲. روش‌های تربیت عواطف اجتماعی توسط پدر

روش‌ها، راهکارها و شیوه‌های عملی هستند که در فرایند تربیت به کار می‌روند تا متربی به هدف نهایی تربیت برسد (ابوبالبی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶). با تأمل در آموزه‌های اسلامی روش‌های زیر را برای پرورش عواطف اجتماعی توسط پدر می‌توان یافت:

۲-۱. جلب اعتماد متربی

لازمه ایجاد انگیزه در متربی این است که به مربی اعتماد کند. امام علی علیه السلام در ابتدای وصیت خویش به فرزندشان امام حسن علیه السلام از این روش‌ها استفاده می‌کنند: ابراز محبت و دلسوزی، بیان تجارب و اطمینان دادن به مخاطب، توجه مثبت و نظایر اینها: «يَا بُنِي، إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَكُنْ عَمْرَتُ عَمْرٍ مِّنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ... وَ رَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّفِيقَ وَ أَجْمَعْتُ عَلَيْهِ

۲-۵. توصیه
 ابراهیم علیه السلام نیز از دعا به عنوان یک روش تربیتی استفاده کرده و در حق فرزند خویش دعای خیر کرد که محبت بین او و مردم جامعه بیشتر شود (شکل ۱).



شکل ۱. روش های پرورش عواطف اجتماعی

همان گونه که ملاحظه می شود، طیفی از روش های تربیتی ناظر بر ابعاد شناختی، گرایشی و عملی در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است.

نتیجه گیری

معمولاً نقش پدر در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و فراهم نمودن غذای حلال و طیب و نیز مدیریت و نظارت کلان بر جریان تربیت در خانواده، بیشتر شناخته شده است. در حالی که بر اساس یافته ها، در قرآن و روایات نقش های تربیتی دیگری نیز برای پدر ضروری دانسته شده است. نقش پدر در پرورش ساحت عاطفی و به طور اختصاصی تر در حوزه عواطف اجتماعی و چگونگی پرداختن به این امر، در این تحقیق بررسی و تبیین شد.

همچنین، برای موفقیت در این امر، شیوه های مختلفی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام مشاهده شد که در موقعیت های تربیتی مختلف می توان از آنها بهره گرفت.

با توجه به یافته های تحقیق، انجام پژوهش های زیر، می تواند به روشن تر شدن ابعاد گوناگون این بحث کمک کند:

- بررسی تطبیقی نقش مادر و پدر در تربیت عاطفی؛
- بررسی تفاوت های پرورش عواطف اجتماعی در اسلام و غرب؛
- بررسی ملاحظات سنی و جنسیتی در پرورش عاطفی فرزندان؛
- بررسی موانع رشد عواطف اجتماعی در کودکان و نوجوانان؛
- آسیب شناسی پرورش عواطف اجتماعی فرزندان توسط والدین.

توصیه، یعنی بیان نکات و مطالبی به دیگری به منظور عمل کردن به آنها، که همراه با موعظه و خیرخواهی باشد؛ بیان این نکات در هدایت و موفقیت او در زندگی مؤثر است (قائمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۰). نامه ۳۱ امام علی علیه السلام در نهج البلاغه سراسر نصیحت های خیرخواهانه برای فرزند (و تمام شیعیان) است.

۲-۶. تمثیل و تشبیه

در تمثیل نوعی مقایسه بین دو چیز صورت می گیرد و گوینده با ذکر مثل و آوردن نمونه، ذهن متربی را برای درک بهتر و عمیق تر آماده می کند (قائمی مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۲). امام علی علیه السلام در تشبیه افراد بی تفاوت به مردگان، از همین روش استفاده کردند.

۲-۷. تزیین کلام

مربی باید مراقب باشد که معانی و مفاهیم مورد نظر را در قالب کلام زیبایی ارائه کند. کلام و واژه نامناسب می تواند تأثیر منفی بر معنا داشته باشد (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۸). استفاده از کلمه (بُنی) «فرزندم» در نامه ۳۱ نهج البلاغه که دارای بار عواطفی خوشایندی است، نصیحت را تلطیف می کند.

۲-۸. انذار

انذار آگاه کردن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می دهد و مایه زجر و عذاب او خواهد شد. عدل ایجاب می کند که فرد را پیش از وقوع مجازات، نسبت به آن به قدر کافی آگاه کنیم (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۳). کاربرد هشدار از سوی گوینده نشانگر دلسوزی او نسبت به مخاطب جهت در امان ماندن وی از خطر است (افضلی و عبدالکریمی، ۱۴۰۰). امیرالمؤمنین علیه السلام فرزندشان امام حسن علیه السلام را با استفاده از روش هشدار و انذار از ظلم و ستم بر مظلومان حذر دادند: «یا بُنی ایاک و ظلم من لا یجدُ علیک ناصراً اِلَّا الله» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۱۵۳).

۲-۹. دعا و مددخواهی از خداوند

یکی از روش های تربیتی، دعا و استعانت از خداوند است. این روش تربیتی در سیره امام سجاد علیه السلام به فراوانی دیده می شود و ایشان در لسان دعا، انواع روش های تربیتی را به کار گرفته اند. حضرت

فرمهبینی فراهانی، محسن و رضوان‌خواه، سلمان (۱۳۹۶). الگوی مفهومی تربیت عاطفی با رویکردی بر نهج‌البلاغه، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۵، ۵۴-۷۳.

قائمی‌مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱). روش‌های تربیتی در قرآن. تهران: سمت. قدیری، محمدحسین (۱۳۸۴). مدیریت خشم. معرفت، ۹۷، ۹۳-۱۰۶. قرائتی، محسن (۱۳۷۴). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء. محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵). حکمت نامه لقمان. قم: پیام اسلام. — (۱۴۱۶ق). میزان الحکمه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

— (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهر ثانی ازرانی، حیدر (۱۳۹۴). جلوه‌های نقش پدری حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۹۷). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی، سیدرضا (۱۳۹۲). روش‌های تربیت عاطفی از منظر قرآن و حدیث با تأکید بر محبت، خشم و ترس. رساله دکتری، قم: دانشگاه قرآن و حدیث. نجفی، محمد و دیگران (۱۳۹۴). سازمان‌دهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳ (۲۹)، ۴۹-۸۲.

واعظی، محمد و مشایخی‌پور، محمدعلی (۱۳۹۳). اخلاق کار در نهج‌البلاغه. تهران: امیرکبیر.

Adeleke, A. G. (2017). Father's Role in Child's Emotional Intelligence Development. *Journal of Teaching and Education*, 7 (10), 177-184.

Gratch, J., Mao, W., and Marsella, S. (2006). "Modeling Social Emotions and Social Attributions". In *Cognitive Modeling and Multi-agent Interactions*. Sun, Ron (ed.). Cambridge University Press.

Keltner, D., and Buswell, B. N. (1997). Embarrassment: Its distinct form and appeasement functions. *Psychological Bulletin*, 122, 250-270.

Krendl, A. C.; Heatherton, T. F. (2017). "Social Emotions: Imaging Social Emotions. Reference Module" in *Neuroscience and Biobehavioral Psychology*. 5(21), 97_110.

Parkinson, B., Fischer, A. H., and Manstead, A.S.R. (2005). *Emotion in social relations: Cultural, group, and interpersonal processes*. New York: Psychology.

Worthington, E. L., Jr., & Wade, N. G. (1999). The psychology of unforgiveness and forgiveness and implications for clinical practice, *Journal of Social and Clinical Psychology*. 18 (4), 385-418.

همچنین، پیشنهادهای کاربردی زیر در راستای بهره‌مندی بیشتر از یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود:

- آموزش و تقویت مهارت‌های تربیتی پدران با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های عمومی؛

- تهیه کتاب‌هایی در این زمینه برای مطالعه پدران تا بتوانند فرزندان خود را به شیوه مؤثرتری پرورش دهند؛

- طراحی دروس مدرسه‌ای جهت آشنایی پسران با وظایف پدری؛

- برگزاری جلسات آموزشی توسط مدارس جهت آشنا کردن بیشتر پدران با وظایف تربیتی خود.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۳۷۱). ترجمه اسدالله مبشری. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

صحیفه سجادیه (۱۳۷۵). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: سروش. ابن‌الجوزی، یوسف (۱۴۲۶ق). تذکرة الخواص من الامة فی ذکر خصائص الائمة. بیروت: صاد.

ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۶). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

افضلی، زهرا و عبدالکریمی، سپیده (۱۴۰۰). بازکاوی موضوع تقوا در نهج البلاغه بر اساس اصول ادب، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۹ (۳۴)، ۱-۹.

انصاری، محمدعلی (۱۳۹۲). منشور تربیت؛ شرح نامه ۳۱ نهج البلاغه. مشهد: بیان هدایت نو.

باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.

بهرامی، معصومه و دیگران (۱۳۹۸). بررسی نقش و جایگاه پدر در تربیت فرزند در الگوی اسلامی ایرانی. کنفرانس ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد دستاوردهای نوین در علوم تربیتی و رفتاری از نگاه معلم.

تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالحکم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌بیت.

حسین‌زاده، علی و قاسمی، هاجر (۱۳۹۴). تبیین مهم‌ترین روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه. پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۷ (۹)، ۲۲-۶۰.

عرب گوئینی، احمد (۱۳۹۵). نقش تربیتی پدر و تأثیرات آن بر اعضای خانواده از منظر اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمان، دانشگاه شهید باهنر.

علوی، سیدحمیدرضا و دیگران (۱۳۹۸). اهداف اصول و روش‌های تربیت عاطفه غم و شادی انسان از منظر صحیفه علویه. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۷ (۱۲)، ۲۵-۳۴.

فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۰). تربیت در نهج‌البلاغه. تهران: آییش.